

تحمل عجیب پیامبر(ص) که باعث مسلمان شدن یهودی شد

شخصی جلوی پیغمبر(ص) را گرفت و مدعی شد من از تو طلبکارم، طلب مرا الآن باید بدهی! حتی با پیغمبر گلاویز می‌شود و ایشان را مجروح می‌کند، اما باز هم پیامبر نرمش نشان می‌دهد.

شخصی جلوی پیغمبر(ص) را گرفت و مدعی شد من از تو طلبکارم، طلب مرا الآن باید بدهی! حتی با پیغمبر گلاویز می‌شود و ایشان را مجروح می‌کند، اما باز هم پیامبر نرمش نشان می‌دهد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، شکی نیست که اخلاق عظیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، الگوی بزرگ انسانیت است و ما باید از اخلاق بهترین مخلوق خدا، درس‌های بسیاری بیاموزیم.

استاد شهید مرتضی مطهری درباره اخلاق شخصی و اجتماعی پیامبر، توضیحات خوبی ارائه کرده است.

اخلاق پیغمبر اکرم(ص) ملایم بود یعنی چه؟

پیغمبر ملایم بود و باید یک رهبر، ملایم باشد، مقصود این است که پیغمبر در مسائل فردی و شخصی نرم و ملایم بود نه در مسائل اصولی و کلی.

در آنجا پیغمبر صد درصد صلابت داشت یعنی انعطاف ناپذیر بود. یک وقت کسی رفتار بدی راجع به شخص پیغمبر می‌کرد، مثلاً به شخص پیغمبر اهانت می‌کرد. این، مسأله‌ای بود مربوط به شخص خودش. و یک وقت کسی قانون اسلام را نقض می‌کرد، مثلاً دزدی می‌کرد. آیا اینکه می‌گوییم پیغمبر نرم بود مقصود چیست؟ آیا یعنی اگر کسی شرب خمر می‌کرد پیغمبر می‌گفت مهم نیست، تازیانه به او زنید، مجازاتش نکنید؟!

آن، دیگر مربوط به شخص پیغمبر نبود، مربوط به قانون اسلام بود. آیا اگر کسی دزدی می‌کرد باز پیغمبر می‌گفت مهم نیست، لازم نیست مجازات بشود؟! ایداً! پیغمبر در سلوک فردی و در امور شخصی نرم و ملایم بود ولی در تعهدها و مسؤولیتهای اجتماعی نهایتاً درجه صلابت داشت.

تحمل پیامبرانه، باعث شد یهودی، مسلمان شود

شخصی می‌آید در کوچه جلوی پیغمبر را می‌گیرد، مدعی می‌شود که من از تو طلبکارم، طلب مرا الآن باید بدهی. پیغمبر می‌گوید: اولاً تو از من طلبکار نیستی و بی‌خود ادعا می‌کنی، و ثانیاً الآن پول همراهم نیست، اجازه بده بروم.

می‌گوید: یک قدم نمی‌گذارم آن طرف بروی (پیغمبر هم می‌خواهد برود در نماز شرکت کند) همین جا باید پول من را بدهی و دین مرا بپرداز.

هر چه پیغمبر با او نرمش نشان می‌دهد او بیشتر خشونت می‌ورزد تا آنجا که با پیغمبر گلاویز می‌شود و ردای پیغمبر را لوله می‌کند، دور گردن ایشان می‌پیچد و می‌کشد که اثر قرمزی‌اش در گردن پیغمبر ظاهر می‌شود.

مسلمین می‌آیند که چرا پیغمبر دیر کرد، می‌بینند یک یهودی چنین ادعایی دارد. می‌خواهند خشونت کنند، پیغمبر می‌گوید: کاری نداشته باشید، من خودم می‌دانم با رفیقم چه کنم. آنقدر نرمش نشان می‌دهد که یهودی همان جا می‌گوید: «اشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُوْلُ اللهِ» و می‌گوید تو با چنین قدرتی که داری اینهمه تحمل [نشان می‌دهی؟! این تحمل، تحمل یک فرد عادی نیست، پیغمبرانه است.

ظاهراً در فتح مکه است؛ زنی از اشراف قریش دزدی کرده است. به حکم قانون اسلام دست دزد باید بریده شود. وقتی قضیه ثابت و مسلم شد و زن اقرار کرد که دزدی کرده‌ام، می‌بایست حکم درباره او اجرا می‌شد. اینجا بود که توصیه‌ها و وساطتها شروع شد.

یکی گفت: یا رسول الله! اگر می‌شود از مجازات صرف نظر کنید، این زن دختر فلان شخص است که می‌دانید چقدر محترم است، آبروی یک فامیل محترم از بین می‌رود. پدرش آمد، برادرش آمد، دیگری آمد که آبروی یک فامیل محترم از بین می‌رود. هر چه گفتند، فرمود: محال و ممتنع است، آیا می‌گویید من قانون اسلام را معطل کنم؟! اگر همین زن یک زن بی‌کس می‌بود و وابسته به یک فامیل اشرافی نمی‌بود، همه شما می‌گفتید بله دزد است، باید مجازات بشود.

آفتابه دزد مجازات بشود، یک فقیر که به علت فقرش مثلاً دزدی کرده مجازات بشود، ولی این زن به دلیل اینکه وابسته به اشراف قریش است و به قول شما آبروی یک فامیل اشرافی از بین می‌رود مجازات نشود؟! قانون خدا تعطیل بردار نیست. ابداً شفاعتها و وساطتها را نپذیرفت.

پس پیغمبر در مسائل اصولی هرگز نرمش نشان نمی‌داد در حالی که در مسائل شخصی فوق العاده نرم و مهربان بود و فوق العاده عفو داشت و با گذشت بود. پس اینها با یکدیگر اشتباه نشود. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج 16، ص 174)

قرآن می‌فرماید: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِيْتَ لَهُمْ» به موجب لطف پروردگار، رفتار شخصی و فردی تو با مسلمین رفتار ملایم است و به همین جهت مسلمین را جذب کرده‌ای، و اگر تو آدم خشن و قسّی القلبی می‌بودی مسلمین از دور تو پراکنده می‌شدند. «فَاعْفُ عَنْهُمْ» گذشت داشته باش، عفو کن، بگذر. (خود عفو داشتن از شؤون نرمی است) «وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ» برای مسلمین استغفار و طلب مغفرت کن؛ لغزشی می‌کنند، نزد تو می‌آیند، برایشان دعا و طلب مغفرت کن.

پیغمبر با مسلمین آنچنان اخلاق نرمی داشت که عجیب بود. فریفتگی و شیفتگی مسلمین نسبت به پیغمبر فوق العاده است. پیغمبر اکرم با مسلمین آنچنان یگانه است که مثلاً زنی که بچه‌اش متولد شده بود می‌دوید: یا رسول الله! دلم می‌خواهد به گوش این بچه من اذان و اقامه بگویی.

یا دیگری بچه یک ساله‌اش را می‌آورد: یا رسول الله! دلم می‌خواهد این بچه مرا مقداری روی زانوی خودت بنشانی و به او نگاه کنی تا تبرک بشود، یا به بچه‌ام دعا کنی؛ می‌فرمود: بسیار خوب. حدیث دارد، شیعه و سنی روایت کرده‌اند که گاهی اتفاق می‌افتاد بچه در دامن پیغمبر ادرار می‌کرد. تا او ادرارش شروع می‌شد، پدر و مادرها ناراحت و عصبانی می‌دویدند که بچه را از بغل پیغمبر بگیرند. می‌فرمود: «لا تُزِمُوا» این کار را نکنید، بچه است، ادرارش گرفته است، کاری نکنید ادرار بچه قطع بشود که موجب بیماری می‌شود. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج 16، ص 177)